

حکایت

قبل و بعد از ۳۰ سالگی

مجری برنامه نسل حسینی شناخت و ارادتش به امام حسین (ع) را در دو مرحله می‌داند؛ مرحله قبل و مرحله بعد از ۳۰ سالگی. او می‌گوید: «مرحله‌ای از شناخت و ارادت من به امام حسین (ع) به همان دوران کودکی و نوجوانی و قبل از ۳۰ سالگی بازمی‌گردد و مرحله دوم بعد از ۳۰ سالگی. در ۳۰ سالگی من دوستانی داشتم که از نظر عقاید نقطه مقابل من بودند، اما هرکدام با اعتقاداتی که داشتیم با یکدیگر دوست بودیم و رفت‌وآمد داشتیم. دخترانمان تقریباً هم‌سن بودند و من همیشه نگران بودم که طرز تفکر و عقاید آن‌ها روی دخترم باران تأثیر بگذارد. سال‌ها پیش کسانی که پیاده‌روی کربلا می‌رفتند، باید برای برقراری ارتباط با خانواده‌هایشان سیم‌کارت عراقی می‌گرفتند و خیلی سخت می‌توانستند ارتباط بگیرند. به یاد دارم یک سال که هم‌سرم به پیاده‌روی اربعین رفته بود، من و دخترم باران منزل یکی از این دوستانم شام دعوت بودیم. آن شب تلویزیون برنامه‌ای درباره واقعه کربلا پخش می‌کرد. همسران دوستانم شروع به بحث و نقد ماجرا کردند؛ چون این موضوع خط قرمز من بود با آن‌ها وارد بحث شدم. همان لحظه پیامک یکی از دوستانم که با همسرش کربلا بود به دستم رسید با این مضمون که «راحتی چه کرده‌ای که با هم‌سرم در حرم امام حسین (ع) هر طرف سر می‌چرخانیم تو را می‌بینیم». این پیامک در شرایطی که ارتباط از عراق در آن سال‌ها سخت بود، نشانه‌ای برای من بود که امام حسین (ع) می‌خواست من متوجه شوم هر قدمی که برای آن حضرت برمی‌دارم، ایشان به من توجه دارد. همان‌جا تصمیم گرفتم راهم را از دوستانم جدا کنم؛ چون دیروقت هم بود، خداحافظی کردم و به خانه برگشتم و بعدها خیلی محترمانه به آن‌ها گفتم که چون عقاید ما با یکدیگر فرق می‌کند، باید راهمان را جدا کنیم و آن‌ها هم پذیرفتند.»



تمام لحظه‌های حضورم در برنامه خاطره است، اما ویژه‌برنامه شام غریبان و شب دهم برنامه دیگری بود. تیتراژ برنامه را حذف کردیم و برنامه را با تلاوت قرآن شروع کردیم



زیرا این باعث می‌شود تا جوانان به این مسیر جذب شوند. برنامه نسل حسینی مصداقی از این ادعا بود.

ماندگارترین خاطره شما از برنامه چیست؟

تمام لحظه‌های حضورم در برنامه خاطره است، اما ویژه‌برنامه شام غریبان و شب دهم برنامه دیگری بود. تیتراژ برنامه را حذف کردیم و برنامه را با تلاوت قرآن شروع کردیم. دکور آن شب برنامه هم شام غریبان‌های بود و شمع روشن کرده بودیم. در طول اجرای برنامه من در هر روز متن و داستانی از شخصیت‌های مقتل که آن روز به نام یکی از آن‌ها بود، تعریف می‌کردم. آن شب متن درباره غروب عاشورا و حضرت زینب (س) بود و با همه تلاشی که داشتم، نتوانستم اشک‌هایم را در طول اجرا نگه دارم.

مادری باشد که نسل حسینی را پرورش می‌دهد. من مجری برنامه‌های خانواده و اجتماعی بودم، نه معارفی، اما با اشتیاق اجرای این برنامه را پذیرفتم.

آن‌طور که پیدا بود، بیشتر مخاطبان شما را نوجوانان تشکیل می‌دادند، دلیل آن چه بود؟

برنامه نسل حسینی برنامه متفاوتی بود. اگر چه این برنامه در ساعاتی که هیئت‌ها برگزار بود، پخش می‌شد، مخاطب خاص خود، به‌ویژه جوانان و نوجوانان را داشت. به اعتقاد من برای جذب نوجوانان و جوانان فقط هزینه کردن کافی نیست، برنامه باید با خواست نوجوان همراه باشد و با خلاقیت این قشر را با خود همراه کند. وقتی ایده نو باشد، نوجوانان هم جذب می‌شود.

نقطه قوت برنامه نسل حسینی در چه بود؟

مهم‌ترین ویژگی این برنامه در دکور متفاوتش بود. صحن و سرای حرم حضرت ابوالفضل (ع) به صورت ال‌ای‌دی ساخته شده بود؛ به‌گونه‌ای که گویی در صحن واقعی حرم حضرت عباس (ع) هستیم. فضای دکور برنامه به‌تنهایی مخاطب را جذب می‌کرد. البته عوامل جوان برنامه مانند تهیه‌کننده، نویسنده و طراح دکور؛ همه جوانان زیر ۳۰ سال بودند که عاشقانه برای تهیه این برنامه تلاش کردند. برای حسینی شدن جوانان و نوجوانان باید از افرادی کمک گرفت که در این زمینه دانش و تخصص دارند. در حوزه نوجوانان درباره موضوعات معارفی کمتر کار شده است؛ از این رو بهتر است به جوانان اعتماد کنیم و کار را به خودشان بسپاریم؛